روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۲۵ رمضان ۱۴۴۳ • ۲۷ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۶۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۷
اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه شرق

◆ جنگل‌های بلوط و روستاهای حاشیه دریاچه زریوار مریوان میزبان لک‌لک‌های مهاجری هستند که به منظور لانه‌سازی و جوجه‌آوری وارد این منطقه می‌شوند.
عکس: نوید صیدیمرادی، آنا

دیالوگ روز

باشو غریبه کوچک - بهرام بیضایی ۱۳۶۵

نایی (سوسن تسلیمی) به باشو (عدنان عفراویان):

برای نوشـــتن این نامه نزد همسایه نرفتم، این نامه را پسر من می‌نویسد که نام او باشوست، ایشان در همه کارها ما را کمک می‌کند، و نانی که می‌خورد از کاری که می‌کند کمتر است، و آن نان را من از لقمه خودم می‌دهم! او مثل همه بچه‌ها فرزند آفتاب و زمین است. و کم‌کم از شش تا حرفی که می‌زند، سه تا حرف آن مرا حالی می‌شود.

قانون‌خوانی

ضرورت همفکری با وکلا و استادان

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

گفته شـده «آیین دادرسی حربه کسانی اسـت که در ماهیت حقی ندارند»؛ اما جدای از این دیدگاه بدبینانه طرح دعوی، رسیدگی به پرونده، شنیدن نظرات طرفین، صدور رأی، اعتراض به آرا و در نهایت اجرای حکم، نیازمند قواعد و تشـریفاتی برای رسیدگی است تا حقوق شهروندان بر دادرسی عادلانه محفوظ بماند. در پی تصویب قانون مناقشه‌برانگیز و زیان‌بار «تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» در سال ۱۳۷۳ که همچنان با اصلاحات فراوانی که داشته است ساختار اصلی تشکیلات دادگستری را سـامان می‌دهد، دو قانون «آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)» (۱۳۷۸) و «آیین دادرسـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی» (۱۳۷۹) بـه تصویب رسـید. قانون اول به موجب ماده ۵۷۰ قانون «آیین دادرسـی کیفری» (مصوب سال ۱۳۹۲ و لازم‌الاجرا از سال ۱۳۹۴) به شکل صریح نسخ شد، اما قانون دوم با تغییرات اندکی همچنان معتبر و مبانی رسـیدگی به پرونده‌های مدنی و تجاری اسـت. ساختار قانون اخیر برگرفته از قانون «آیین دادرسی مدنی» مصوب سـال ۱۳۱۸ بوده که تغییرات و مناسب‌سازی آن با تشکیلات جدید بیشتر به کلیات آن لطمه زده است.

در تاریخ هشـتم دی‌ماه سـال ۱۴۰۰ طرحی با عنوان «الحاق ماده (۸۴) مکرر به قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)» توسط هیئت‌رئیسه مجلس شـورای اسلامی اعلام وصول شد. در بخشی از مقدمه توجیهی آمده است: «در بسـیاری از دعاوی عدم رعایت تشـریفات شـکلی آیین دادرسـی مدنی و عدم امکان‌پذیری جبران ایرادات شـکلی، موجب صدور قرارهـای قاطع دعوی مانند رد درخواست، رد دعوی و عدم استماع دعوی و در نتیجه عدم رسیدگی دادگاه به ماهیت و محتوای موضوع مورد اختلاف می‌گردد». سـپس نماینـدگان در پنج محور دلایل نقد خود بر وضع کنونی را که منتهی به امضای طرح شـده اسـت، این گونه عنوان کرده‌اند: «هزینه دادرسـی توسط خواهان پرداخت و نیروی دستگاه قضائی مصروف شـده است، اما در نهایت دعوای خواهان منجر به صدور قرارهای قاطع دعوی شده اسـت؛ رد دعوی بدون آنکه دادگاه وارد ماهیت مورد اختلاف شود موجب می‌شود که خصومت موجود بین طرفین برطرف نشده و همچنان باقی بماند؛ مختومه‌نمودن پرونده‌ها بر اسـاس قرارهای شکلی موجب می‌شود طرفین برای احقاق حق مجبور به طرح دوباره دعوی شوند که در نهایت منجر به افزایش حجم پرونده‌های ورودی به دستگاه قضائی و اطاله دادرسی می‌شود؛ رد دعوی به موجب ایرادات شکلی هزینه احقاق حق را افزایش داده که در نتیجه اشـخاص یا وکلای ایشان برای طرح دعوای فاقد ایراد چندین بار اقدام خواهنـد کرد که هزینه اجرای عدالت را افزایش می‌دهد که با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعارض دارد؛ طرح برخی دعاوی موکول به زمان خاصی است که رد دعوی به دلایل شکلی مهلت طرح دعوی را از بین خواهد برد».

این طرح مرکب از یک ماده و سه تبصره است؛ در متن ماده ۸۴ مکرر می‌خوانیم: «در کلیه مواردی که به جهت عدم رعایت تشـریفات شکلی مندرج در این قانون یا سـایر قوانین، دعوای مطروحه قابلیت رسـیدگی ماهوی را نداشته و موجب صدور یکی از قرارهای قاطع دعوی باشـد، جز در بندهای (۶) و (۱۱) ماده (۸۴) این قانون، دادگاه با ذکر ایرادات مزبور به خواهان، مهلت ۲۰روزه‌ای برای برطرف‌کردن ایرادات مطروحـه می‌دهد. خواهان یا وکیل یا نماینده وی می‌تواند بدون اخطار دادگاه نیز تا پایان جلسه اول دادرسی، هرگونه ایراد دادخواست خود را برطرف کند. اگر خواهان ظـرف مهلت مزبور اقدام به برطرف‌کردن ایـرادات نماید، دادگاه عنداللزوم با ابلاغ تغییرات واقع‌شـده در دادخواسـت یا دعوی مطروحه به خوانده و تشکیل جلسه دادرسـی اقدام به رسـیدگی ماهوی می‌نماید، در غیر این صـورت، قرار مقتضی از سوی دادگاه صادر می‌شود». هدف اصلی ماده، اعطای مهلت برای رفع ایرادات به خواهان پرونده اسـت. در تبصره اول برای مرجع تجدیدنظر نیز اختیاردادن اخطار و اعطای مهلت ۲۰روزه مشابه مرجع بدوی پیش‌بینی شده است. در تبصره دوم، مفاد این ماده را برای دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری لازم‌الاجرا می‌داند.

نکته جالب، تبصره سوم ماده است: «اگر خوانده دعوای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی یا شـخص ثالثی، هزینه دادرسی موضوع دعوای خواهان اعسار را بپردازد قرار قطعی سـقوط دعوی اعسار صادر می‌شـود. صدور این قرار مانع طرح دعوای اعسـار در مراحل بعدی آن پرونده نیست». این ترفند برای جلوگیری از سوءاستفاده مدعی دعوی «اعسار» (معافیت از پرداخت هزینه دادرسی) و اطاله دادرسی توسط او پیش‌بینی شده اسـت. به نظر می‌رسـد نمایندگان از روح ماده ۳۸۷ قانون آیین دادرسـی کیفری برای طراحی ماده ۸۴ مکرر بهره گرفته باشند. بر اساس این ماده، مدیر دفتر به متهم و وکیل او و حسـب مورد شـاکی یا مدعـی خصوصی یا وکیل آنان اخطـار می‌دهد تا تمام ایرادهـا و اعتراض‌های خود را ظـرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تسـلیم کننـد. بیان ایرادات پیش از وقت رسـیدگی می‌توانـد منجر به اتخاذ برخی تصمیمات (قرارهای عدم صلاحیت، منع تعقیب و موقوفی تعقیب) توسـط دادگاه بدون تعیین وقت رسـیدگی و در نتیجه مانع اطاله دادرسی شود. توجیهات مقدماتی نمایندگان قابل درک اسـت، اما به دلیل اهمیت و اثر بسـزای این ماده در کلیه رسـیدگی‌های مدنی، بهتر اسـت پیش از تصویب دیدگاه کارشناسانه استادان دانشکده‌های حقوق، دادرسـی‌دانان، قضات و وکلای پیش‌کسوت دریافت شود. به قول سـعدی علیه‌الرحمه «پندی اگر بشنوی ای پادشاه/ در همه عالم به از این پند نیست/ جز به خردمند مفرما عمل/ گرچه عمل کار خردمند نیست».

رویگری تا کی بر تخت کهریزک می‌ماند؟

بهناز شـیربانی: تصویر رضا رویگری روی تخت خانه سـالمندان ساعت‌هاست که در شـبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شـود. دیدن تصویر او در چنین شرایطی برای بسیاری از ما تحمل‌ناپذیر اسـت و انگار همچنان تصویر برادر لجوج «اجاره‌نشین‌ها» و مرد خوش‌گذران «بوتیک» لحظه‌ای از مقابل چشـمانمان دور نمی‌شـود. ستاره‌ای که خیلی زود رو به خاموشی رفت و تصویر روزهای افولش خوشایند نیست. رضا رویگری بعد از سـکته مغزی، به مرور در سینما و تلویزیون کم‌رنگ‌تر شد و شرایط جسمانی‌اش چندان اجازه کار به او نمی‌داد و دوست داشت مردم همچنان او را مثل همیشه ببینند و از اینکه با عارضه سکته مغزی در بدنش مقابل دوربین ظاهر شود، امتناع کرد. هرچند این اواخر نقشـی کوتاه در برخی فیلم‌ها و سـریال‌های شـبکه نمایش خانگی داشته، اما این حضور بسـیار محدود و کوتاه بوده اسـت. رویگری در سـال‌های اخیر بارها از بی‌توجهی مدیران فرهنگی نسبت به شرایط زندگی‌اش گله کرده و از تهیه‌کنندگانی که با بدقولی و بدحسـابی‌ها، او را روزبه‌روز به تجربه سخت‌زیستی نزدیک کردند، شکایت کرده، اما صدایش به جایی نرسیده است.

از سوی دیگر در سـال‌های اخیر زندگی خصوصی رویگری هم به حاشیه رفت. او در سـال ۱۳۹۱ برای بار دوم با تارا کریمی که اختلاف سنی زیادی با هم داشتند، ازدواج کرد و چرایی این ازدواج یکی از سـؤالاتی بود که گاهی رویگری و همسـرش را دچار چالش می‌کـرد. رویگری بـا حضور در برنامه «دورهمی» و پرسـش مهـران مدیری که زندگی خصوصی‌اش چطور پیش می‌رود؟ اشـاره کرد که بعد از بیماری‌اش، این همسرش بوده که تمام مدت او را به دوش کشـیده اسـت. در ویدئوی اخیری که از او منتشر شده است، رویگری اشـاره می‌کند که از یک هفته قبل در آسایشـگاه کهریزک رها شده، سیم‌کارتش عوض شده تا امکان تماس با بیرون را نداشته باشد و حتی ممنوع‌الملاقات شده و دست نیاز به سـوی مردم و طرفدارانش دراز کرده اسـت؛ این موضوع بار دیگر حواشی زندگی خصوصی او را پررنگ‌تر کرد؛ آن‌هم بازیگری که در برنامه دورهمی گفته بود آرزو دارد با آبرو پیر شود و محتاج کسی نباشد.

انتشـار این ویدئو سـبب شـد تا برخی از هنرمندان به کمک او بشـتابند. به گزارش تی‌وی‌پرس ظهر دیروز جمعـی از طرفداران و همچنین علیرام نورایی به دیدن او رفتند. پرویز پرستویی در تماسی که با او داشت از این اتفاق ابراز ناراحتی کرد و با یادآوری برخی خاطرات خوش گذشـته از همراهی‌های که قرار اسـت به او شود، خبر داد. در این میان برخی افراد نیز کمک کردند؛ مانند شـقایق دهقان، شـهبانو منصوری و علیرضا اصغری (مددکار) . پسـر پرسـتویی در این جمع خبر داد که خانه‌ای مبله به همراه یک پرسـتار حرفـه‌ای برای او آماده و فقط نیاز اسـت تا او اندکی بهبود پیـدا کند و در صورت نیاز به قیم با مراجعه به مراجع قانونی درخواسـت شود که دادستان قیم او شود. در این دیدار اعلام شد این کمک‌ها متعلق به خود رضا رویگری است و پس از آن متعلق به هنرمندی نظیر او. این خانه و این امکانات از طرف تعدادی از هنرمندان اسـت نه اینکه جمع شده باشد. هرچند در چند ساعت گذشته، بسیاری منتظر واکنش یکی از مدیران فرهنگی به این اتفاق بودند. محمد خزاعی، رئیس سـازمان سینمایی، به انتشار این ویدئو و صحبت‌های رضا رویگری واکنش نشـان داد و گفت: «از مشـکل آقای رویگری اطـلاع پیدا کردیم، با خانم کریمی همسـر ایشان و از طریق آنها با پزشکان معالج و دست‌اندرکاران آسایشگاه کهریزک در تماس بودیم. به گفته همسرشـان و بنا بر تأکید پزشک معالج آقای رویگری، امکان نگهداری وی در منزل به دلیل پاره‌ای مشـکلات و اختلالات جسـمی به‌هیچ‌وجه وجود نداشت و با مساعدت و همکاری پزشک به آسایشگاه کهریزک و در شرایط مطلوب منتقل شده است».

او ادامه داد: «چندین بار هم از سـوی سـازمان سـینمایی و همـکاران بنده در موزه سینما برای حمایت از این هنرمند عزیز اقداماتی صورت گرفته و عیادت از ایشان از اولین برنامه‌های دیداری بنده در مدت حضورم در سـازمان سینمایی بوده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم مدیرعامل صندوق اعتباری هنر را مأمور کردند از نزدیک و حضوری در جریان روند نگهداری و درمان و شـرایط آقای رویگری قرار گیرند. با تعاملاتی که از طریق صندوق اعتباری هنر صورت گرفته و اقداماتی که از سوی سازمان سینمایی و صداوسیما در حال انجام اسـت، مشـکلات این هنرمند به‌زودی مرتفع می‌شود. در کنار این هنرمند پیش‌کسوت و خانواده‌اش خواهیم بود».

رضا رویگری با صدا و تصویرش خاطرات بسیاری را در ذهنمان ثبت کرده و بی‌توجهی به او در این روزهای سـخت زندگی‌اش، بیش از همیشـه خاطر بسیاری را آزرده می‌کند؛ البته در کمک و همراهی پرستاران و مراقبان کهریزک هیچ حرف و سخنی نیست.

خاطره‌خوانی

یادی از نخست‌وزیری مصدق

به روایت تاریخ، هفتم اردیبهشـت ۱۳۳۰ روزی اسـت که مصدق برای اولین بار به عنوان نخسـت‌وزیر شناخته شد. دکتر محمد مصدق به عنوان نماینده‌ای پرسـابقه در مجلس شـورای ملی و در رأس جبهه ملی مطرح بود. او در دوره چهاردهم، درباره ملی‌شـدن نفت، سخنرانی‌های متعددی کرد و با تصویب پیشنهاد او، از دادن امتیاز جدید نفت به شوروی جلوگیری شـد. مصدق که ریاست کمیسـیون نفت را بر عهده داشت و وجاهت ملی او هـم در اوج مبارزات ملی‌شـدن نفـت درخور توجه بود، بـا نزدیکی به آیت‌الله کاشـانی وجهه مذهبی نیز به خود گرفت؛ بنابراین پیشـنهاد قبول نخست‌وزیری او مورد اسـتقبال نمایندگان قرار گرفت و او بلافاصله مأمور تشکیل کابینه شد.

او یک هفتـه بعد برنامه خود را به مجلس ارائه داد که در آن نوشـته شده بود: «۱ - اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی‌شـدن صنعت نفت در سراسـر کشور مورخه نهم اردیبهشـت‌ماه ۱۳۳۰ و تخصیص عوایـد حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشـور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی ۲ - اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها. البته نظریات اصلاحی دولت منحصر به این دو ماده نیست و عجالتا از ذکر جزئیات صرف‌نظر و در موقع خـود لوایح ضروری را بـرای اصلاحات لازم تقدیم خواهد نمود و بسـیار ممنون و خوش‌وقت خواهد شد که نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و سنا راهنمایی‌ها و هدایت‌های لازم به دولت برای اصلاحات بفرمایند».

دولت مصدق در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ توانست از میان ۱۰۲ نماینده حاضر با کسب ۹۹ رأی موافق رأی اعتماد مجلس را کسب کند. در روزنامه اطلاعات درباره این اتفاق نوشـته شد: «مصدق برای واردآوردن فشار بر مخالفان و از این طریق، «زیر نفوذ آوردن مجلس» پیوسـته به تظاهرات خیابانی متوسل می‌شـد. همچنین جمـال امامی در مجلـس اعتراض کـرد و گفت: «آیا نخست‌وزیر ما سیاست‌مدار است یا رهبر عوام؟ چگونه نخست‌وزیری وقتی با یک مسـئله سیاسی روبه‌رو می‌شود، می‌گوید: «من با مردم حرف خواهم زد»؟ من همیشـه این مورد را برای مقامات عالی نامناسـب می‌دانستم اما حتی در بدترین کابوس‌های خود نیز تصور نمی‌کردم که یک پیرمرد ۷۰ساله هوچی‌گر بشود. مردی که همیشه اوباش را در اطراف مجلس جمع می‌کند، جز عوام‌فریب کس دیگری نیسـت». درباره ترکیب نخستین کابینه مصدق از عبارت «محافظه‌کار» اسـتفاده می‌شود. دکتر مصدق بیشتر درگیر مسئله ملی‌شـدن صنعت نفت و تبعات آن بود تا اینکه به پیروزی دولت ایران بر شرکت نفت انگلستان منجر شد.

نقد هفته

وای به روزی که بگندد نمک

امیر عربی
چشم‌پزشک

در گذشـته نه‌چنـدان دور، نیـل به مقام اسـتادی و تصدی پسـت هیئت‌علمی در دانشـگاه‌های علوم پزشـکی، بزرگ‌ترین دستاورد علمی ممکن برای پزشـکان جوان بود. کرسـی‌های استادی دانشگاه‌ها به دلیل ارزش و حرمتـی که داشـتند، اولیـن و بزرگ‌ترین آرزوی هر دانشـجوی تازه‌وارد به دانشگاه می‌شـدند. نتیجه این می‌شد که افراد مستعد آن‌قدر برای رسـیدن به آن تلاش می‌کردند که ماحصل این تلاش شـبانه‌روزی، شکل‌گیری یک شخصیت علمی و فرهنگی قابل احترام بود که به‌راستی شایسـته لقب اسـتاد بود. به محض رسـیدن به این مقام، عضو تازه‌وارد هیئت‌علمی جایگاه اجتماعی تحسین‌شده‌ای کسب می‌کرد، هم نیازهای مادی و اقتصادی‌اش تأمین می‌شد و هم در مقام مقدس معلمی سال‌ها به پشتوانه علم خود منشـأ اثر برای دانشجویان جوان بود. اما این قاعده به ظاهر ابدی، در سـال‌های اخیر به طرفه‌العینی به باد رفت. تا جایی که نفرات برتر دانشگاه به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند استادی دانشگاه است و دانشگاه‌ها هم به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند نفرات برتر دانشگاه‌هاست. گسستگی عمیق بین دانشگاه و دانشجوی برتر شکل گرفته است تا جایی که دو طرف چشمانشـان را به روی هم می‌بندند، انگار نه انگار روزگاری عاشق هم بوده‌اند. علت‌یابی این رابطه سرد و خشک راحت نیست. روند کاهشـی امتیازات و حقوق و دستمزد هیئت‌علمی در دانشگاه‌های علوم پزشـکی، ممنوعیت اخذ پروانه مطب در سال‌های اولیه خدمت، بار کاری غیرمتعارف روی هیئت‌علمی جوان، سـلب امکان ادامه تحصیل راحت و اسـتفاده از فرصت‌های مطالعاتی مرسوم و نهایتا نبود حمایت از طرف اعضای قدیمی‌تر گروه‌های آموزشی احتمالا از علل اصلی نفرت نوظهور نسـبت به استادشدن هسـتند. اما با توجه به اینکه هر علتی، خود علتی دارد، به راستی علت این ناملایمت‌های رگباری نسبت به هیئت‌های علمی جوان چیسـت؟ شاید دلسردکردن استادان واقعی برای پرکردن جای آنها با اسـتادان مقبول‌تر، منفعل‌تر، بله‌قربان‌گوتر یا حتی فامیل‌تر و دوست‌تر. این توهم توطئه خاموش شاید بیشتر برای دانشگاه‌های بزرگ صدق کند، وگرنه در دانشگاه‌های شهرستان که در روز روشن کرسی‌های پرطمطراق استادی به‌راحتی بین رفقای مدیریتی رد و بدل می‌شود و نهایتا دانشجویی که تا دیروز با تعهد خدمت در مناطق محروم به زور وارد دانشـگاه شـد، امروز اسـتاد دانشگاه‌های مراکز استان اسـت و دانشجویان برتر کشوری جای آنها را در مناطق محروم مورد تعهد پر می‌کنند. کاری به این حرف‌ها نداریـم. با آن قسـمت اسـتادی و معلمی‌اش چه کنیـم. جامعه جدید استادان با سطح علمی، فرهنگی و اخلاقی نازل‌تر نسبت به سال‌های قبل، به راسـتی چه آورده علمی و اخلاقی‌ای برای نسل جوان سال‌های آینده خواهند داشت. استادان دانشـگاه، نمکی بودند برای هر چه می‌گندید... وای به روزی که بگندد نمک.

کرسی جهانی یونسکو در مخاطرات زمین‌شناختی ساحلی و پژوهشکده علوم زمین وابسته به سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشـور از میان دارندگان درجه دکتری یا دانشجویان دکتری در علوم زمین، سـنجش از دور و هوش مصنوعی برای همکاری و مشـارکت در پروژه‌های پژوهشـی بین‌المللی در حوزه مخاطرات زمین‌شـناختی، گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی و زمین‌باستان‌شناسی با شرایط زیر در صورت کسب امتیاز لازم، پذیرش در مصاحبه علمی و تسلط بر زبان انگلیسی (سطح B2) دعوت به همکاری می‌کند:

دوره پسادکتری

۱- داشتن درجه دکتری در یکی از شاخه‌های علوم و مهندسی در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) و پس از آن
۲- داشتن پیشینه انتشار دو مقاله معتبر بین‌المللی
۳- معرفی‌نامه معتبر از بنیاد نخبگان یا یکی از مراکز معتبر دانشگاهی-پژوهشـی مبنی بر تأمین دسـتمزد ماهیانه پژوهشگر از سوی مرکز
۴- عدم اشتغال رسمی دولتی

دوره دکتری

۱- دانشجویان مشغول به تحصیل در دوره دکتری ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) و پس از آن
۲- تنظیم پروپوزال مشترک و متناسب با اهداف و مأموریت کرسی یونسکو
۳- گروه همکار پروپوزال افزون بر انتخاب استاد راهنما از دانشگاه محل پذیرش دانشجو به‌ترتیب شامل استاد راهنما از پژوهشکده علوم زمین و متناسب با موضوع استادان مشاور از دیگر مراکز آموزشی و پژوهشی داخل یا خارج از کشور خواهد بود.

***

* پذیرفته‌شدگان به‌عنوان عضو کرسی یونسکو در انتشارات داخلی و خارجی در کنار دیگر نشان‌های وابستگی دانشگاهی خود، مجاز (موظف) به استفاده از نام و نشان کرسی به‌عنوان آدرس وابستگی شغلی هستند.
* موضـوع پروپـوزال پژوهشـی و اهداف مورد نظر و گروه همکار توسـط کرسـی یونسـکو در مخاطرات زمین‌شناختی ساحلی و پژوهشکده علوم زمین تعیین و پیشنهاد می‌شود.
* اجرا و زمان‌بندی پروژه در چارچوب مقررات آموزشـی و پژوهشـی وزارت عتف و برابر شـیوه‌نامه اجرائی مصوب شورای اجرائی کرسی یونسکو در مخاطرات زمین‌شناختی ساحلی خواهد بود.
* بخش یا تمامی محتوی رسـاله، گزارش و انتشـارات علمی حاصل از پروژه‌های مشـترک با حفظ مالکیت معنوی، نام و نشـان تهیه‌کنندگان و تمامی همکاران با نشان کرسی جهانی یونسکو و پژوهشکده علوم زمین به‌صورت گزارش‌های دوره‌ای ضمن انتشار در درگاه الکترونیکی کرسی و یونسکو ارائه و بارگذاری خواهند شد.
* داوطلبان می‌توانند در صورت تمایل به همکاری درخواست کتبی و ارائه گواهی‌های لازم به‌همراه رزومه خود را به پست الکترونیکی uchair.cgha@ries.ac.ir ارسال فرمایند.